داستان ظهور، تداوم، و سراشیبی سقوط یک انقلاب

حکومت جمهوری اسلامی در ایران از بدو تاسیس و علیرغم کسب آرای بزرگی از ایرانیان با چالش های حیات و ممات روبرو بوده است، با پیروزی انقلاب 57 ، به سرعت میان همراهان انقلاب زاویه نمایان شد، از عجایب انقلاب ایران، طرفداری تمام عیار حزب کمونیست ایران از حکومت اسلامی، و تقابل قوی ترین و گسترده ترین گروه اسلامگرا با حاکمیت جدید بود. چالش دوام جمهوری اسلامی با مخالفین ، علیرغم حمایت قاطبه مردم ، و افزون بر این ، کل کل با کشورهای دیگر، از جمله عراق، عربستان، اسرائیل، و آمریکا، شمشیر داموکسی بوده که حکومت در 40 سال استقرار بر تارک خود احساس کرده، و آورده آن، نگرش توطئه های داخلی و خارجی، برکنش و واکنش های جمهوری اسلامی بوده است.

این نوشتار، داستان ظهور، تداوم ، و سراشیبی سقوط انقلابی را شرح می دهد، که با مشارکت قریب به اتفاق یک ملت به رهبری کسی که گاندی و ماندلای ایران خوانده می شد، آغاز و به گرداب وقایعی افتاد، که ماحصل آن، مردمی هستند که کوشش می کنند، باری را که به پشت بام برده اند، با کمترین هزینه به پائین بیاورند.

وضع عمومی موجود:

عملکرد چهل ساله جمهوری اسلامی در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، و حتی مذهبی صاحب نمره مردودی است. اگر به شعار پیش از انقلاب 57 ، استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی برگردیم، و به این موضوع توجه کنیم، که جمهوری اسلامی خود را وارث پیاده سازی آن با برپائی رژیم جدید، بر پایه های دینی می داند. مسئولیت شکست در برآورده کردن خواسته مردم را عهده دار است.

شعار مطالبه محور سه گانه بالا، با اهداف مشخصی از طرف مردم در جریان انقلاب ابراز می شد، خواست "استقلال" در برابر نفوذ بیگانگان بخصوص آمریکا در شئونات کشور، عدم مداخله کشور در امور سایرین از جمله عمان ، و بنوعی بازگشت به شعار "موازنه منفی" مصدق بود. اما آنچه در عرصه استقلال به انجام رسید، ورود جمهوری اسلامی به دخالت در امور سایر کشورها و فراهم آوردن فضای مخالفت با ایران در میان همسایگان و حتی کشورهای دور از ایران، با این عنوان که ما دارای منافع در مناطق فوق هستیم، موجب بروز انواع دشمنی و دسیسه علیه کشور شده، بطوریکه بعضی از کشورها در پی تجزیه ایران از طریق ایجاد گروه های قومی استقلال طلب برآمده اند، و همچنین موجب تحمیل هزینه های سنگین به کشور، از طریق پرداخت پول، اسلحه، آموزش نفرات، و ترور شده اند، که عملا برای کشور آورده ای بجز منزوی شدن و دشمنی در سطح جهان نداشته است.

در ارتباط با خواست "آزادی" که قبل از پیروزی انقلاب، قول و تعهد آن برای تمامی گروه های فکری و سیاسی داده شده بود، در عمل به کشتار و زندانی تعداد کثیری از افرادی که تنها جرمشان، عقیده متفاوت داشتن بود انجامید. نتیجه رویکرد جمهوری اسلامی به آزادی، به معنی آزادی مردم و گروه ها برای تائید و هواداری از جمهوری اسلامی ختم شده است. حاصل این طرز فکر، تبدیل شدن ایران به بزرگترین زندان روزنامه نگاران، دگراندیشان، و افرادی است که خواستار اصلاح امور کشور هستند.

سومین بخش شعار که در کلمه "جمهوری اسلامی" خلاصه شده بود، در دو کلمه جمهوری و اسلامی برای مردم، با توجه به توضیحات رهبر انقلاب معانی خاص داشت. استنباط مخاطبان و تکرار کنندگان کلمه جمهوری، نظامی مشابه حکومت فرانسه بود، که کارگزاران اصلی با رای مردم و برای مدت مشخصی انتخاب شده و پس از پایان دوره مسئولیت از حکومت کنار خواهند کشید، در حالیکه رژیمی که مستقر شد، دارای سمتی مادام العمر بنام رهبر یا ولی فقیه بود، که دومین رهبر پس از مرگ نفر اول و تا کنون برای مدت 30 سال بر اریکه رهبری تکیه زده است.

کلمه "اسلامی" در شعار پیش از انقلاب، علیرغم مبهم و نامشخص بودن، برای هر گروه معنای خاص خود را داشت، محرومان، از اسلامی، حاکمیت مستضعفان را مد نظر داشته و با توجه به تاکیدهای مکرر رهبر، عدل علی، امام اول شیعیان در ذهن آنها مجسم می شد. برای طبقه متوسط و تحصیلکردگان، اسلامی، عنوانی برای برگشت به فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی بود، و تعبیر طبقات ثروتمند سنتی از اسلامی، خلع ید از نوکیسه هائی بودند که با رانت حکومت شاه به نان و نوائی رسیده و تجارت و تولید داخلی و بازرگانی خارجی کشور را در دست خود گرفته بودند.

در چهل حاکمیت جمهوری اسلامی، برداشت هیچیک از طبقات ذکر شده از اسلامی برآورده نشده، و تمام تخم مرغ های حکومت در سبد بخشی از روحانیون وابسته به جمهوری اسلامی و وابستگان آنها چیده شده است. لذا محرومان، دیگر اسمی از مستضعفان نشنیده، و خبری از عدل ندیده، و در عوض شاهد نوکیسه هائی است که با رانت حکومت به درآمدهای غیرقابل باور رسیده و در برابر، مردم هر روز فقیرتر شده اند.

در بخش تجارت و تولید هم طبقات ثروتمند سنتی، که مقید به اصول اخلاقی هستند، از مزایای حکومت که به وابستگان تعلق گرفته، محروم و در مدت چهل سال گذشته، ثروت و اموال خود را از دست داده اند.

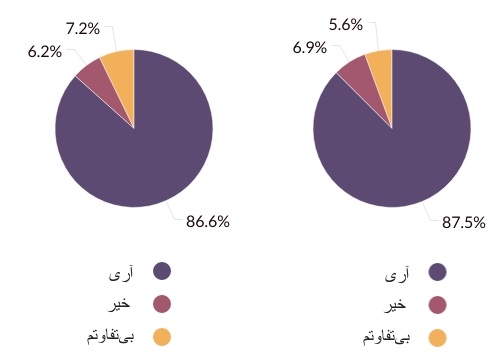
توضیحات بالا تحلیل کوتاهی از وضعیت طبقات مختلف جامعه ایران در مقابل جمهوری اسلامی را بیان می کند. با شرح گفته شده اولین سئوالی که به ذهن خواننده،متبادر می شود، پس طرفداران و پیروان جمهوری اسلامی چه طبقات یا گروه هائی هستند، اقشاری از جامعه ایران که هنوز از جمهوری اسلامی تبعیت می کنند عبارتند از: کاست روحانیت حاکم، این قشر ، جمع کوچکی از کل روحانیت هستند که نظام جمهوری اسلامی با دستان آنها می چرخد، شامل رهبر، بیت رهبری، اعضای مجلس خبرگان، روحانیون شورای نگهبان، امامان جمعه در شهرهای کشور، اعضای روحانی مجلس شورا، روحانیون ارشد در سازمان ها، موسسات، و وزارتخانه های دولت، نظامیان ارشد در سپاه ، ارتش، و نیروی انتظامی، افراد وابسته به حکومت که توانسته اند با رانت جمهوری اسلامی به ثروت و مال زیادی دست پیدا کنند و نگران هستند در صورت سقوط حکومت، اموال آنها مصادره شود. کل جمعیتی که حاضرند در رکاب جمهوری اسلامی ایستاده و از آن مصرانه دفاع کنند، کمتر از 5% ایرانیان هستند.

افرادی که آمادگی دفاع از جمهوری اسلامی را دارند، خود صاحب نیروهائی هستند که از آنها بعنوان نیروی مقابله با مردم استفاده می کنند، عمده این افراد در سازمانهای نظامی و انتظامی متمرکز بوده و بخشی از اراذل و اوباش هم با دریافت حق الزحمه درسرکوب مردم مشارکت خواهند داشت. جمعیت سرباز جمهوری اسلامی در روبروئی با تظاهرات حدود 10% ایرانیان هستند.

صف آرائی نیروها با توجه به نکات بالا را در جمع بندی کلی می توان بشرح زیر قرار داد:

1. مخالفین جمهوری اسلامی %85
2. موافقین جمهوری اسلامی %15

در تابستان سال جاری رادیو زمانه نظر سنجی برگزار کرد که نتایج آن بیانگر همین نسبت ها از موافقین و مخالفین جمهوری اسلامی است:



**گراف 1: آیا از بیانیه‌های اخیر فعالان مدنی در ایران برای عبور از جمهوری اسلامی و گذار به دموکراسی حمایت می‌کنید؟**

**گراف 2: آیا از خواسته ۱۴ فعال زن برای پایان‌دادن به نظام مردسالارانه و پدرسالارانه در ایران و دستیابی به برابری کامل زن و مرد دفاع می‌کنید؟**

در مجموع بیش از ۸۶ درصد پاسخ‌دهندگان به نظرسنجی از بیانیه ۱۴ فعال حمایت کرده‌اند، ۶ درصد مخالف آن هستند و ۷ درصد نسبت به آن «بی‌تفاوت» هستند.

در میان پاسخ‌دهندگان داخل ایران، نیز تفاوت معناداری وجود ندارد. ۸۵ درصد حمایت می‌کنند، ۷,۵ درصد مخالفند و ۷,۵ درصد بی‌تفاوت هستند.

**مسیر گذار از جمهوری اسلامی به وضعیت مطلوب:**

نظرسنجی و برآوردها نشان می دهند، جمهوری اسلامی، در میان اکثریت ایرانیان، مقبولیت خود را از دست داده ، و مردم بدنبال یافتن مسیری برای گذار از جمهوری اسلامی هستند.

الف: ویژگی های حکومت مطلوب :

وضعیت مطلوبی که اکثریت مردم در پی رسیدن به آن هستند چیست؟ با وجود نظرات و تفکرات مختلف برای حکومت آتی ایران، در یک جمع بندی عمومی، ویژگی های حکومت را می توان در موارد زیر طبقه بندی کرد:

1. یکپارچگی سرزمین ایران، بعنوان یک کشور با حضور اقوام مختلف
2. نوع حکومت،

* مشروطه سلطنتی با این پیش فرض، که در مشروطه سلطنتی، شاه تنها بعنوان یک سمت نمادین و تشریفاتی باشد، و قدرت اداره کشور در بخش های نظامی و غیر نظامی در دست نخست وزیر و هیات دولت باشد. و دو مجلس از منتخبین مردم برای مدت معین ، وظیفه قانون گذاری و نظارت را عهده دار باشند. ریاست قوه قضائیه با معرفی شاه و تصویب مجلسین انجام شود.
* جمهوری، مردم در انتخابات آزاد، رئیس جمهوری، نمایندگان مجلسین را برای یک دوره معین زمانی انتخاب کرده، و رئیس قوه قضائیه با معرفی رئیس جمهور و تصویب مجلسین منصوب شود.

1. ایرانیان با هر دین ، مذهب، و بی دین، بعنوان شهروندان متساوی الحقوق شناخته شده و حکومت مجزا از دین بوده. و آنچه موجب اتحاد و یک پارچگی کشور شود، تابعیت ایرانی مردم است.
2. رسانه های جمعی از آزادی انتقاد و نظارت بر دستگاه ها ، سازمانها، و وزارتخانه های دولت برخورد بوده و بتوانند، بدون ممیزی مطالب خود را بصورت صدا، سیما، و مکتوب نشر بدهند.
3. خدمات اجتماعی، عمومی، بهداشتی، درمانی، بازنشستگی، و آموزشی توسط دولت در قالب بیمه های فراگیر ملی توسط دولت با مشارکت بخش خصوصی تامین شود.
4. امور شهرها، بخش ها، روستاها بدست شوراهای محلی که منتخبین مردم همان منطقه باشند، اداره شوند.
5. صنایع کارخانه ای، ساختمانی، کشاورزی، تولیدی، و خدماتی متعلق به بخش خصوصی بوده و تحت قوانین مصوب مجلسین و نظارت دولت فعالیت کنند.

اگر بندهای ذکر شده را بخواهیم در یک جمله خلاصه کنیم، اکثریت مردم خواستار یک حکومت عرفی با لحاظ کردن ویژگی های فرهنگ ملی، و قومی هستند.

ب: روشهای گذار از جمهوری اسلامی،

مردم در دهه اول انقلاب، و علیرغم برخوردهای خشن کارگزاران حکومتی با مخالفین، که آخرین آن، کشتار سال 67 زندانیان در بند از تمامی گروه ها بود، پس از فوت بنیانگذار جمهوری اسلامی، بدرقه پرشوری از او بعمل آوردند، که نشانگر، اعتماد بخش بزرگی از مردم به جمهوری اسلامی بود. رویکرد دولت های هاشمی به طبقه محروم، واگذاری رانتهای بزرگ به نزدیکان حکومت، و زندگی اشرافی دولتمردان چهره جمهوری اسلامی را نزد مردم لکه دار کرد، بطوریکه هاشمی و اعیان و انصار او بعنوان غاصبان اموال عمومی در اقصاء نقاط کشور شناخته شدند و هر ساختمان فاخر را منسوب به گروه او می دانستند.

البته گروه مقابل هاشمی، یعنی اصولگرایان در دامن زدن به این شایعات نقش بزرگی ایفا می کردند و امید قاطع داشتند ، کاندیدای آنها برای ریاست جمهوری رای اول را خواهد آورد، هاشمی با شناخت دقیقی که از روحیات مردم داشت، در بدلی ظریف و محکم فردی را که فاقد سابقه سیاسی موثر بود و در عوض پرونده خوشنامی از وزارت ارشاد به همراه داشت را به میدان رقابت کشاند، کاندیدای معرفی شده از کارگزاران سازندگی، دارای عقایدی نرم با پیوست هائی از تسامع و تساهل بود، گروه هاشمی استراتژی خود را بر دو محور تنظیم کردند، تبلیغات گسترده و همه جانبه با استفاده از منابع مالی که در اختیار داشتند، و جلوگیری از تقلب در جریان انتخابات ریاست جمهوری. دو ترفند هاشمی کارساز شد و مردم با رای بالائی به کاندیدای هاشمی اقبال نشان دادند. دلایل مردم برای روی خوش به کاندیدای هاشمی، با این هدف بود، فردی با روحیه نرم و فرهنگی را به ریاست جمهوری بنشانند که جهت حرکت حکومت از تقابل با دنیا را به همگرائی در خارج و تساهل در داخل بگرداند.

رویکرد اصولگرایان با رئیس جمهور جدید در سال اول با تحیر و شگفتی همراه بود و از سال دوم با بهره گیری از ابزارهای گوناگونی که در اختیار داشتند شامل، نظام قضائی، شورای نگهبان، و گروه های فشار به خنثی کردن اقدامات رئیس جمهور منتخب پرداختند. واکنش مردم به عملکرد اصولگرایان و برای ممانعت از ادامه خرابکاری در پیشبرد اهداف رئیس جمهور، در انتخابات مجلس، با تفاوت رای معنی داری به حامیان اصلاحات از گروه کارگزاران و اصلاح طلبان رای دادند و معتدلیان اکثریت را در مجلس بدست آوردند.

نتایج انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورا، پیام قاطعی از طرف مردم برای حاکمیت در ارتباط با خواسته اکثریت قاطع رای دهندگان بود، با افتادن اکثریت مجلس بدست اصلاح طلبان، اصولگرایان علاوه بر موانعی که در مسیر رئیس جمهور گذاشته بودند، اهرم جدیدی بنام "حکم حکومتی" را به میدان مبارزه آوردند.

در انتخابات دور دوم ریاست جمهوری، مردم آرای بی سابقه ای برای ابقای رئیس جمهور اصلاح طلب دادند، اما سد اصولگرایان در برابر رئیس جمهور و مجلس عملا اجازه هیچ اقدام و یا تصویب قانونی را ممکن نمی کرد، در جریان خیزش دانشجویان در سال 78، از نیروهای سپاه، انتظامی، و لباس شخصی ها برای سرکوب و درهم کوبیدن جنبش استفاده شد، و در پایان به این اقدامات هم اکتفا نکرده، و سران سپاه در نامه تهدید آمیزی رئیس جمهور را تهدید به کودتا کردند.

ریاست جمهوری مرد فرهنگی و مجلس اصلاح طلبان با فاجعه به انتها رسید، رئیس جمهوری منتخب به صراحت اعلام کرد که در دو دوره ریاست جمهوری او تنها تدارکاتچی برای حاکمان واقعی بوده، و در مجلس بخش بزرگی از نمایندگان، برای دوره آتی، رد صلاحیت شدند، تا شکی بر کسی باقی نماند که حرف آخر را در جمهوری اسلامی چه کسانی می زنند.

انتخابات مجلس شورا بعلت خصلت منطقه ای، نمی تواند نمایانگر خواست عموم مردم کشور باشد، چرا که کاندیداها مستقلا از هر شهر تائید صلاحیت شده و در آرای مردم منطقه مربوطه به رقابت با یکدیگر پرداخته و آنچه عمدتا تعیین کننده است، مشکلات و مسائل مبتلا به محدوده نماینده است. در حالیکه انتخابات ریاست جمهوری سرتاسری بوده و نسبت آرای ماخوذه هریک از کاندیداها نشانگر جهت گیری و خواست اکثریت مردم است.

تحلیل بالا اصولگرایان را به این صرافت انداخت که باید در انتخابات ریاست جمهوری سال 82 به پیروزی برسند، لذا بدنبال کاندیدائی بودند که اولا روحانی نباشد، دارای مدرک تحصیلی بالا باشد، از افراد تیم شناخته شده اصولگرایان نباشد، با یک چهره مردمی و با وعده هائی که اکثریت مردم مطالبه آنها را دارند به میدان رقابت وارد شود.

اهدافی که در انتخابات ریاست جمهوری مد نظر بود شامل موارد زیر بودند:

1. کاندیدای مورد نظر اصولگرایان پیروز نهائی باشد.
2. جهره اجتماعی و سیاسی هاشمی را بعنوان رهبرجناح مخالف از بین ببرند.
3. با یک مانور، موضوع حکم حکومتی که از طرف اصلاح طلبان به چالش کشیده می شد، به تائید خود آنها برسانند.

بند سوم با تائید صلاحیت دو تن از کاندیداهای اصلاح طلب با حکم حکومتی رهبر انجام شد. در حالیکه دو کاندیدای مذکور از طرف شورای نگهبان رد صلاحیت شده بودند.

دستیابی اهداف بندهای 1 و 2 با دستکاری در آرای دور اول کاندیداها و کشاندن کاندیدای مورد نظر و هاشمی به دور دوم تحقق یافت.

اصولگرایان به خوبی می دانستند با چهره منفی و فاسدی که از هاشمی در جامعه ترسیم شده، هرکس را در دور دوم انتخابات در برابر او قرار دهند، قادر به کسب آرای بیشتری از هاشمی خواهد بود. و برنامه تدوین شده در هر سه بند به اجرا در آمد.

رئیس جمهور منتخب اصولگرایان در دوره اول ریاست، در خارج از کشور دست به تخریب آنچه، رئیس جمهور مصلحت گرا در صدد پیاده سازی آن بود زد، جمهوری اسلامی شعار نابودی اسرائیل را مجددا به صحنه آورد، در جلسات مجمع عمومی سازمان ملل با ابراز مطالبی که می توانست علیه جمهوری اسلامی استفاده شود، به محکومیت حکومت ایران در شورای امنیت سازمان ملل انجامید. و برای تحریم های بین المللی فضای لازم فراهم شد. در مجموع سیاست تهاجمی رئیس جمهور اصولگرا، اجماع جهانی علیه جمهوری اسلامی را شکل داد.

در سه ماهه چهارم سال 87 اوباما در ریاست جمهوری آمریکا مستقر شد، و بر اساس قولی که در دوره مبارزات انتخاباتی به مردم داده بود، کوشش کرد باب گفتگو با جمهوری اسلامی را باز کند، و بمنظور دستیابی به این هدف نامه نگاری با رهبر جمهوری اسلامی را شروع کرد. رویکرد صلح جویانه اوباما با برداشت اشتباه کارگزاران حکومت ایران روبرو شده و آنها تصور کردند، اوباما در تنگنای تفاهم قرار گرفته و مجبور است به هر قیمتی با جمهوری اسلامی به توافق برسد.

ارزیابی اصولگرایان از موقعیت اوباما، موجب هدف گذاری های جدیدی برای انتخابات 88 ریاست جمهوری شد.

انتخابات ریاست جمهوری بعلت ملی بودن و فراگیری، از ابتدای استقرار جمهوری اسلامی با چالش های متعددی روبرو شده بود، و در هر نوبت از انتخابات ریاست جمهوری، از اولین تا آخرین تا آن زمان با مشکل همراه بوده است. لذا اصولگرایان تصمیم گرفتند، مشکل انتخابات ریاست جمهوری را یکبار و برای همیشه حل کنند. تجربه دستکاری انتخابات 84 نشان داده بود که این اقدامات معضلی پیش نخواهد آورد. لذا تصمیم گرفتند انتخابات را در مرحله نتایج آراء مهندسی کرده و فارغ از آرای ماخوذه، نتایج بر مبنای سیاستی که تنظیم و تدوین شده اعلام شود. موارد مربوطه بشرح زیر تهیه شد:

1. برنده دور اول انتخابات، رئیس جمهور مستقر به دلایل زیر اعلام شود،

* تغییر فرد در ریاست جمهوری، می تواند، سران آمریکا و غرب را به این تصور بیاندازد، که شاید با رئیس جمهور جدید، امکان بعضی از تغییرات در روش های پیشبرد همکاری حاصل شود و همین امر موجب شود تا آنها در رویکرد خود متزلزل و در صدد اصلاحاتی در آن بربیایند.
* نتیجه شمارش آرا برای رئیس جمهور مستقر، باید از کلیه انتخابات های پیشین بیشتر باشد، تا آمریکا و هم پیمانانش بفهمند، که رئیس جمهور منتخب از پشتوانه بالای حمایت مردم برخوردار است.

1. نفر دوم آرای ماخوذه بنام کاندیدای خوشنامی که حضورش در کاندیداتوری باعث جلب بیشتر مردم جهت مشارکت در انتخابات شد، منظور شود. این آراء متناسب با شخصیت کاندیدا، حدود 10 میلیون برآورد شد.
2. برای یکی از کاندیداها که در انتخابات 84 شکست خورده و در مواجه با عدم انتخاب، فرزند رهبر را به مهندسی انتخابات متهم کرده بود، بایستی تعداد آرائی کمتر از آرای باطله منظور شود.
3. به فردی از کاندیداها که صلاحیت او تائید شده و بارها در انتخابات ریاست جمهوری حضور یافته و شکست خورده، با اعلام نتیجه ای مطابق با حدود آرای او در انتخابات های پیشین به او تفهیم شود، کلاه ریاست جمهوری برای سر او گشاد است و بهتر است در دوره های بعدی کاندیدا نشود.

انتخابات ریاست جمهوری سال 88 طبق روال قبل با حضور چهار کاندیدای تائید صلاحیت شده برگزار و در پایان نتیجه شمارش آرای شهرستان ها، طی صورتجلسه های تنظیمی برای ستاد تجمیع آراء در وزارت کشور ارسال شدند.

در پایان روز انتخابات، اتاق تجمیع آراء ستاد انتخابات وزارت کشور، شاهد حضور چهره های جدیدی بود، ماموریت این گروه جمع بندی صورتجلسه های دریافتی و اعلام نتایج شمارش آراء بود. ابتدا آماری از کل تعرفه های چاپ شده انتخابات استخراج شد، با توجه به تعرفه های چاپ شده، هدف گذاری جمع آراء حدود 40 میلیون تعیین شد. در جدول زیر اطلاعات انتخابات آمده است:

| نام استان | **شمار واجدین شرایط در انتخابات ریاست جمهوری دهم** | کل آرای مأخوذه | باطله مأخوذه | آرای صحیح | احمدی‌نژاد | رضایی | کروبی | موسوی |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| [آذربایجان شرقی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%A2%D8%B0%D8%B1%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D9%86_%D8%B4%D8%B1%D9%82%DB%8C) | ۲٬۴۶۱٬۵۵۳ نفر | ۲٬۰۱۰٬۳۵۰ | ۱۷٬۲۰۵ | ۱٬۹۹۳٬۱۳۵ | ۸۳۷۸۵۷ | ۱۶٬۹۲۰ | ۷٬۲۴۶ | ۱٬۱۳۱٬۱۱۱ |
| [آذربایجان غربی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%A2%D8%B0%D8%B1%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D9%86_%D8%BA%D8%B1%D8%A8%DB%8C) | ۱٬۸۸۳٬۱۴۴ نفر | ۱٬۳۳۴٬۳۵۶ | ۲۰٬۰۹۴ | ۱٬۳۱۴٬۲۶۲ | ۶۲۳٬۹۴۶ | ۱۲٬۱۹۹ | ۲۱٬۶۰۹ | ۶۵۶٬۵۰۸ |
| [اردبیل](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%A7%D8%B1%D8%AF%D8%A8%DB%8C%D9%84) | ۸۰۴٬۸۸۱ نفر | ۶۴۲٬۰۰۵ | ۴٬۳۷۲ | ۶۳۷٬۶۳۳ | ۳۲۵٬۹۱۱ | ۶٬۵۷۸ | ۲٬۳۱۹ | ۳۰۲٬۸۲۵ |
| [اصفهان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%A7%D8%B5%D9%81%D9%87%D8%A7%D9%86) | ۲٬۹۸۷٬۹۴۶ نفر | ۲٬۶۳۷٬۴۸۲ | ۲۵٬۱۶۳ | ۲٬۶۱۲٬۳۱۹ | ۱٬۷۹۹٬۲۵۵ | ۵۱٬۷۸۸ | ۱۴٬۵۷۹ | ۷۴۶٬۶۹۷ |
| [ایلام](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%A7%DB%8C%D9%84%D8%A7%D9%85) | ۳۵۷٬۶۸۷ نفر | ۳۱۲٬۶۶۷ | ۳٬۴۹۵ | ۳۰۹٬۱۷۲ | ۱۹۹٬۶۵۴ | ۵٬۲۲۱ | ۷٬۴۷۱ | ۹۶٬۸۲۶ |
| [بوشهر](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%A8%D9%88%D8%B4%D9%87%D8%B1) | ۵۸۰٬۸۲۲ نفر | ۴۹۳٬۹۸۹ | ۶٬۱۹۳ | ۴۸۷٬۷۹۶ | ۲۹۹٬۳۵۷ | ۷٬۶۰۸ | ۳٬۵۶۳ | ۱۷۷٬۲۶۸ |
| [تهران](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%AA%D9%87%D8%B1%D8%A7%D9%86) | ۸٬۷۹۶٬۴۶۶ نفر | ۷٬۵۲۱٬۵۴۰ | ۱۱۵٬۷۰۱ | ۷٬۴۰۵٬۸۳۹ | ۳٬۸۱۹٬۴۹۵ | ۱۴۷٬۴۸۷ | ۶۷٬۳۳۴ | ۳٬۳۷۱٬۵۲۳ |
| [چهارمحال و بختیاری](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%DA%86%D9%87%D8%A7%D8%B1%D9%85%D8%AD%D8%A7%D9%84_%D9%88_%D8%A8%D8%AE%D8%AA%DB%8C%D8%A7%D8%B1%DB%8C) | ۵۶۲٬۲۳۸ نفر | ۴۹۵٬۴۴۶ | ۲٬۹۵۳ | ۴۹۲٬۴۹۳ | ۳۵۹٬۵۷۸ | ۲۲٬۶۸۹ | ۴٬۱۲۷ | ۱۰۶٬۰۹۹ |
| [خراسان جنوبی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%AE%D8%B1%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D9%86_%D8%AC%D9%86%D9%88%D8%A8%DB%8C) | ۴۴۵٬۴۸۰ نفر | ۳۸۳٬۱۵۷ | ۱٬۹۲۰ | ۳۸۱٬۲۳۷ | ۲۸۵٬۹۸۴ | ۳٬۹۶۲ | ۹۲۸ | ۹۰٬۳۶۳ |
| [خراسان رضوی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%AE%D8%B1%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D9%86_%D8%B1%D8%B6%D9%88%DB%8C) | ۳٬۴۲۵٬۸۸۲ نفر | ۳٬۱۸۱٬۹۹۰ | ۲۴٬۲۴۹ | ۳٬۱۵۷٬۷۴۱ | ۲٬۲۱۴٬۸۰۱ | ۴۴٬۸۰۹ | ۱۳٬۵۶۱ | ۸۸۴٬۵۷۰ |
| [خراسان شمالی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%AE%D8%B1%D8%A7%D8%B3%D8%A7%D9%86_%D8%B4%D9%85%D8%A7%D9%84%DB%8C) | ۴۸۴٬۳۲۶ نفر | ۴۶۴٬۰۰۱ | ۳٬۰۷۲ | ۴۶۰٬۹۲۹ | ۳۴۱٬۱۰۴ | ۴٬۱۲۹ | ۲٬۴۷۸ | ۱۱۳٬۲۱۸ |
| [خوزستان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%AE%D9%88%D8%B2%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) | ۲٬۸۰۱٬۶۴۴ نفر | ۲٬۰۳۸٬۸۴۵ | ۲۸٬۰۲۲ | ۲٬۰۱۰٬۸۲۳ | ۱٬۳۰۳٬۱۲۹ | ۱۳۹٬۱۲۴ | ۱۵٬۹۳۴ | ۵۵۲٬۶۳۶ |
| [زنجان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%B2%D9%86%D8%AC%D8%A7%D9%86) | ۶۳۲٬۱۶۰ نفر | ۵۸۵٬۷۲۱ | ۵٬۱۸۱ | ۵۸۰٬۵۴۰ | ۴۴۴٬۴۸۰ | ۷٬۲۷۶ | ۲٬۲۲۳ | ۱۲۶٬۵۶۱ |
| [سمنان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%B3%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%86) | ۴۳۶٬۴۹۲ نفر | ۳۸۳٬۳۰۸ | ۳٬۷۹۰ | ۳۷۹٬۵۱۸ | ۲۹۵٬۱۷۷ | ۴٬۴۴۰ | ۲٬۱۴۷ | ۷۷٬۷۵۴ |
| [سیستان و بلوچستان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D8%B3%DB%8C%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D9%88_%D8%A8%D9%84%D9%88%DA%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) | ۱٬۳۰۶٬۶۲۴ نفر | ۹۸۲٬۹۲۰ | ۵٬۵۸۵ | ۹۷۷٬۳۳۵ | ۴۵۰٬۲۶۹ | ۶٬۶۱۶ | ۱۲٬۵۰۴ | ۵۰۷٬۹۴۶ |
| [فارس](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D9%81%D8%A7%D8%B1%D8%B3) | ۲٬۸۴۲٬۲۰۹ نفر | ۲٬۵۲۳٬۳۰۰ | ۱۸٬۳۶۲ | ۲٬۵۰۴٬۹۳۸ | ۱٬۷۵۸٬۰۲۶ | ۲۳٬۸۷۱ | ۱۶٬۲۷۷ | ۷۰۶٬۷۶۴ |
| [قزوین](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D9%82%D8%B2%D9%88%DB%8C%D9%86) | ۷۴۹٬۲۰۵ نفر | ۶۹۲٬۳۵۵ | ۶٬۰۸۴ | ۶۸۶٬۲۷۱ | ۴۹۸٬۰۶۱ | ۷٬۹۷۸ | ۲٬۶۹۰ | ۱۷۷٬۵۴۲ |
| [قم](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D9%82%D9%85) | ۶۵۵٬۹۸۸ نفر | ۵۹۹٬۰۴۰ | ۹٬۵۰۵ | ۵۸۹٬۵۳۵ | ۴۲۲٬۴۵۷ | ۱۶٬۲۹۷ | ۲٬۳۱۴ | ۱۴۸٬۴۶۷ |
| [کردستان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%DA%A9%D8%B1%D8%AF%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) | ۹۴۳٬۸۱۸ نفر | ۶۱۰٬۷۵۶ | ۱۲٬۲۹۳ | ۵۹۸٬۴۶۳ | ۳۱۵٬۶۸۹ | ۷٬۱۴۰ | ۱۳٬۸۶۲ | ۲۶۱٬۷۷۲ |
| [کرمان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%DA%A9%D8%B1%D9%85%D8%A7%D9%86) | ۱٬۷۳۸٬۲۸۰ نفر | ۱٬۵۰۵٬۸۱۴ | ۱۰٬۱۲۵ | ۱٬۴۹۵٬۶۸۹ | ۱٬۱۶۰٬۴۴۶ | ۱۲٬۰۱۶ | ۴٬۹۷۷ | ۳۱۸٬۲۵۰ |
| [کرمانشاه](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%DA%A9%D8%B1%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%B4%D8%A7%D9%87) | ۱٬۲۳۱٬۶۷۲ نفر | ۹۸۳٬۴۲۲ | ۱۳٬۶۱۰ | ۹۶۹٬۸۱۲ | ۵۷۳٬۵۶۸ | ۱۱٬۲۵۸ | ۱۰٬۷۹۸ | ۳۷۴٬۱۸۸ |
| [کهگیلویه و بویراحمد](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%DA%A9%D9%87%DA%AF%DB%8C%D9%84%D9%88%DB%8C%D9%87_%D9%88_%D8%A8%D9%88%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D8%AD%D9%85%D8%AF) | ۴۱۵٬۶۹۴ نفر | ۳۶۸٬۷۰۷ | ۲٬۹۹۲ | ۳۶۵٬۷۱۵ | ۲۵۳٬۹۶۲ | ۸٬۵۴۲ | ۴٬۲۷۴ | ۹۸٬۹۳۷ |
| [گلستان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%DA%AF%D9%84%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) | ۱٬۰۵۹٬۷۶۹ نفر | ۸۶۹٬۴۵۳ | ۱۲٬۳۵۲ | ۸۵۷٬۱۰۱ | ۵۱۵٬۲۱۱ | ۵٬۹۸۷ | ۱۰٬۰۹۷ | ۳۲۵٬۸۰۶ |
| [گیلان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%DA%AF%DB%8C%D9%84%D8%A7%D9%86) | ۱٬۵۷۶٬۰۴۶ نفر | ۱٬۴۸۳٬۲۵۸ | ۱۱٬۶۷۴ | ۱٬۴۷۱٬۵۸۴ | ۹۹۸٬۵۷۳ | ۱۲٬۰۲۲ | ۷٬۱۸۳ | ۴۵۳٬۸۰۶ |
| [لرستان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D9%84%D8%B1%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86) | ۱٬۱۲۴٬۹۴۰ نفر | ۹۶۴٬۲۷۰ | ۸٬۳۲۹ | ۹۵۵٬۹۴۱ | ۶۷۷٬۸۲۹ | ۱۴٬۹۲۰ | ۴۴٬۰۳۶ | ۲۱۹٬۱۵۶ |
| [مازندران](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D9%85%D8%A7%D8%B2%D9%86%D8%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86) | ۱٬۹۱۵٬۲۴۰ نفر | ۱٬۹۱۹٬۸۳۸ | ۱۵٬۵۷۱ | ۱٬۹۰۴٬۲۶۷ | ۱٬۲۸۹٬۲۵۷ | ۱۹٬۵۸۷ | ۱۰٬۰۵۰ | ۵۸۵٬۳۷۳ |
| [مرکزی](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D9%85%D8%B1%DA%A9%D8%B2%DB%8C) | ۸۸۵٬۵۵۷ نفر | ۷۸۵٬۹۶۱ | ۷٬۸۹۲ | ۷۷۸٬۰۶۹ | ۵۷۲٬۹۸۸ | ۱۰٬۰۵۷ | ۴٬۶۷۵ | ۱۹۰٬۳۴۹ |
| [هرمزگان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D9%87%D8%B1%D9%85%D8%B2%DA%AF%D8%A7%D9%86) | ۹۱۹٬۹۰۸ نفر | ۷۴۳٬۰۲۴ | ۵٬۶۸۳ | ۷۳۷٬۳۴۱ | ۴۸۲٬۹۹۰ | ۷٬۲۳۷ | ۵٬۱۲۶ | ۲۴۱٬۹۸۸ |
| [همدان](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%D9%87%D9%85%D8%AF%D8%A7%D9%86) | ۱٬۲۵۶٬۲۵۰ نفر | ۱٬۰۱۹٬۱۶۹ | ۹٬۸۱۶ | ۱٬۰۰۹٬۳۵۳ | ۷۶۵٬۷۲۳ | ۱۳٬۱۱۷ | ۱۲٬۰۳۲ | ۲۱۸٬۴۸۱ |
| [یزد](https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86_%DB%8C%D8%B2%D8%AF) | ۶۰۹٬۳۴۱ نفر | ۶۰۹٬۸۵۶ | ۵٬۹۰۸ | ۶۰۳٬۹۴۸ | ۳۳۷٬۱۷۸ | ۸٬۴۰۶ | ۲٬۵۶۵ | ۲۵۵٬۷۹۹ |
| **مجموع** |  | **۳۹٫۱۶۵٫۱۹۱** | **409389** | ۳۸٬۷۵۵٬۸۰۲ | **۲۴٬۵۲۷٬۵۱۶** | ۶۷۸٬۲۴۰ | ۳۳۳٬۶۳۵ | ۱۳٬۲۱۶٬۴۱۱ |
| **درصد آراء کاندیداها** |  |  | **01.1%** |  | **%62.6** | **%1.7** | **%0.08** | **%33.7** |

نتیجه نهائی انتخابات که از طرف وزارت کشور اعلام شد، دقیقا منطبق با دستور العمل از پیش تعیین شده بود. ضمن اینکه برعکس انتخابات پیشین ریاست جمهوری که نتایج بعد از دو تا سه روز اعلام می شد، صبح فردای انتخابات نتایج کامل از طرف وزارت کشور به رسانه ها ارائه شد. با اعلام نتیجه شمارش، تعدادی از معترضین در جلوی وزارت کشور بمنظور اعتراض به نتایج تجمع کردند، بعد از ظهر همان روز، زمانی که شورای نگهبان در حال بررسی نتایج و درخواست از کاندیداهای غیرمنتخب برای تحویل شکایت های خود بود، بر خلاف قانون انتخابات و رویه قبلی کلیه انتخابات های پیشین، رهبر جمهوری اسامی پذیرش نتیجه شمارش آراء را از طریق رادیو به اطلاع مردم رساند و خواست تا انتخابات ریاست جمهوری 88 را پایان یافته تلقی کنند.

تظاهرات جمعیت بزرگی در تهران با شعار "رای من کو؟" و سرکوب شدید معترضین که به کشتار تعداد زیادی از مردم عادی و دستگیری جمع بیشتری انجامید، به اصولگرایان، این پیغام روشن را فرستاد، که برچیدن بساط انتخابات در کشور به سادگی نخواهد بود و می تواند تبعات سنگینی برای حکومت ببار بیاورد.

تجربه انتخابات 88 برای تمامی گروه های ایرانیان، آورده خود را بشرح زیر داشت.

1. اصولگرایان فهمیدند، بلاموضوع کردن انتخابات در کشور به سادگی نیست و بایستی بدنبال راه دیگری باشند، و همین موجب شد تا پس از چندی رهبر جمهوری اسلامی اعلام کرد، بهتر است انتخاب رئیس جمهور توسط مجلس انجام شود.
2. اصلاح طلبان که در 12 سال گذشته در صدد استحاله حکومت از مذهبی سنتی به مذهبی مدرن و مطابق شرایط روز دنیا بودند، این پیام را دریافت کردند، این در بسته است و اگر کسی یا گروهی بخواهد برای باز کردن فضا از سنتی به مدرن فعالیت کند با مشت آهنین حکومت روبرو خواهد شد.
3. طبقه متوسط و تحصیلکرده که موتور محرک اعتراضات پس از انتخابات در شهرهای بزرگ بود، به این درک رسید، که اولا حکومت برای ماندن در قدرت از هر ابزاری استفاده می کند، وثانیا فشار اجتماعی طبقه متوسط می تواند در مسیر حرکت حکومت اثر گذار باشد، اما نمی تواند خواسته خود را به آن تحمیل کند و رسیدن به تحمیل نظر مستلزم مشارکت اقشار محروم و فقیر جامعه در اعتراضات است. بمنظور رسیدن به هدف اعتراض عمومی، دو راهکار انتخاب شد، با نشان دادن اعمالی که از سران حکومت سر می زند، عدم مشروعیت نظام از نقطه نظر شرعی را آشکار کنند و از طرف دیگر، مدارک سوء استفاده و فساد وابستگان به حکومت به جامعه ارائه شده تا فشار اقشار فقیر و محروم به حاکمیت افزایش پیدا کرده و آنها وادار به عکس العمل شده و تناقض در برخورد میان افراد خودی و غیر خودی، چهره سیاه حاکمان را سیاه تر کند .
4. بخشی از عامه مردم که بنوعی هنوز به اصلاح حکومت معتقد بودند، تجربه انتخابات 88 به آنها نشان داد، اعتماد به حکومت، نمی تواند بدون قید و شرط باشد و درست تر آنست که گفتار و کردار کارگزاران حکومت با دقت بیشتری پایش شود، و در نتیجه نگاه آنها از یقین به شک تبدیل شد.
5. مخالفان حکومت در عامه مردم، از رویکرد حکومت به اعتراضات 88 فهمیدند، اراده حکومت در برخورد با مخالفین را نباید دست کم گرفت، و در صورت اعتراض مجبورند عوارض و پیامدهای آنرا به قیمت گرانی بپردازند. با این نتیجه گیری، عامه مردم مخالف، مسیر تضعیف حکومت را مبارزه منفی دانستند، و هر عملی که می توانست دولت را تحت فشار قرار دهد و برای آنها خطری نداشت انجام می دادند.
6. پس از انقلاب به جمعیت حاشیه نشین شهرها به میزان زیادی اضافه شد، این جماعت، امورات زندگی خود را با کارگری، دست فروشی، سرقت، فحشاء، فروش مواد مخدر، و زورگیری می گذرانند، طبق آمارهای غیر رسمی، در حال حاضر ایران 18 میلیون نفر حاشیه نشین دارد. مردم حاشیه نشین نیروی بالقوه سرکوب حکومت ها هستند، این افراد با دریافت دستمزد به خدمت حکومت در آمده و مخالفین را قلع و قمع می کنند، البته زمان آشوب ، وقت خوبی برای غارت و چپاول اموال مردم هم هست. در حوادث پس از انتخابات 88 بطور وسیعی از حاشیه نشینان برای فرو نشاندن اعتراض مردم استفاده شد. قشر حاشیه نشین بعلت ژلاتینی بودن، می توانند بعنوان نیروی سرکوب حکومت عمل کرده و یا با تظاهرات مردم، همراه شده و به تخریب و سرقت اموال اقدام کنند. بهرحال در حرکات اجتماعی بایستی به حضور آنها و نقشی که عهده دار می شوند با دقت نگاه کرد.

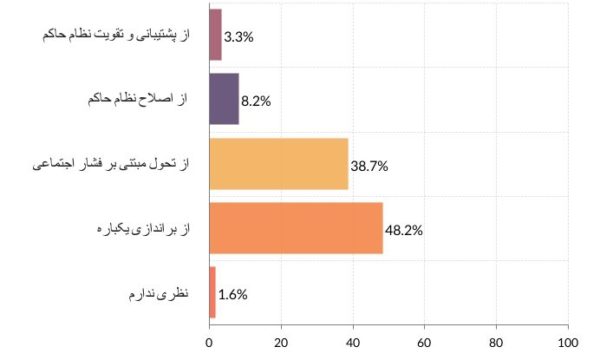
انتخابات 88 نقطه عطفی در نگاه جامعه به جمهوری اسلامی بود، بدین معنی، تعداد بیشتری از طبقات مختلف مردم به این جمع بندی می رسیدند که حاکمیت نیاز به خانه تکانی بزرگی دارد. حضور مردم در انتخابات 92 و 96 بمنظور افزایش شکاف در بدنه حکومت و افزایش احتمال تغییر از درون بود. افشاگری طبقه متوسط از فساد و رانت خواری نزدیکان حکومت، هر روزه به جمعیت مخالف افزود. مردم عادی ، با کمک شایعه ، افشاگری های انجام شده را در سرتاسر کشور پخش و به دامنه آنها افزودند. در یک اقدام بخشی از حکومت در نظر داشت با برپائی تظاهرات کنترل شده ای، بخش دیگر را تحت فشار اجتماعی قرار دهد، در طمان کوتاهی کنترل از دست همه طرف های حاکمیت بیرون رفت و به شورشی در بیش از یکصد شهر کشور گسترش یافت، که در این نوبت هم حکومت مجبور به استفاده از مشت آهنین شد، که پیامد آن تعدادی کشته و جمع کثیری بازداشتی بود.

فشار مردم به دولت و مجلس منتخب برای حل معضلات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در داخل و خارج کشور، که بخصوص مردم محروم و متوسط را به خاک سیاه نشانده، هر دو بخش منتخب، انگشت اشاره خود را به طرف ارگان های انتصابی گرفته و به زبان مبهم و بعضی اوقات واضح، خود را مسلوب الاختیار دانسته و تمرکز قدرت و تصمیم گیری را در جای دیگری نشان داده اند.

ادامه فشار و افزایش مطالبه گری مردم، با رونمائی از فسادهائی که هریک رکورد پیشین را می شکستند، بخش منتخب برای ارائه راه حل و در واقع دور کردن نوک پیکان حمله از روی خود، پیشنهاد برگزاری رفراندم در موضوعات مهم و اساسی را طرح کرد. اعلام خواسته رفراندم، با استقبال نمایندگان مجلس و رسانه های جمعی روبرو شد، بطوریکه نمایندگان مجلس طی نامه ای با 150 امضاء خواستار برگزاری رفراندم شدند، معاون حقوقی رئیس جمهور، در مصاحبه با مطبوعات، گفت گزارش برگزاری رفراندم روی میز رئیس جمهور است و برای انجام آن مانع خاصی وجود ندارد.

در مقابل جناح اصولگرا با چالشی روبرو شد، که نمی توانست آنرا نادیده بگیرد، بهمین منظور رهبر جمهوری اسلامی، بدون مخالفت با برگزاری رفراندم، انجام آنرا به بعد از انتخابات مجلس در پایان سال جاری ایرانی، حواله کرد.

نظر سنجی رادیو زمانه در باب نظرات پاسخ دهندگان بابت تغییر در جمهوری اسلامی به رویکرد مطلوب، نشانگر راه حل های مختلف از "پشتیبانی و تقویت نظام حاکم" تا "براندازی یکباره" که گراف زیر نسبت هریک را نمایان می کند.

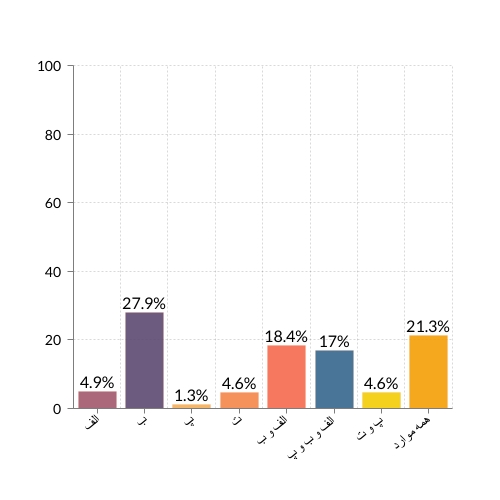


درصد پاسخ ها به پرسش: به نظر شما دستیابی به وضعیت مطلوب در کشور از چه مسیری می‌گذرد؟

در مجموع، ۴۸,۲ درصد پاسخ‌دهندگان به پرسش «دستیابی به وضعیت مطلوب در کشور از چه مسیری می‌گذرد؟»، گزینه «براندازی یکباره» را برگزیده‌اند،‌ و ۳۸,۷ درصد از «تحول مبتنی بر فشار اجتماعی» دفاع کرده اند.

در میان مخاطبان ساکن ایران نیز درصدها کمابیش نزدیک به همین است. ۵۲,۶ درصد آنها،‌ یعنی اندکی بیش از درصد مربوط به مجموع پاسخ‌دهندگان،‌ از براندازی یکباره دفاع کرده اند. ۳۰ درصد، یعنی ۸ درصد کمتر از درصد مربوط به مجموع پاسخ‌دهندگان، تحول مبنی بر فشار اجتماعی را برگزیده اند. میزان مدافعان اصلاحات در میان آنها نیز ۳ درصد بیشتر است و حامیان نظام هم ۴,۳ درصد پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دهند.

اگرچه اکثریتی نزدیک به ۹۰ درصد، بنابر آنچه گفتیم، خواهان «تحول اساسی در نظام» هستند، فهم‌شان از نیروهای قادر به دستیابی به این تحول اساسی تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارد.



پرسش:‌ به نظر شما تحولی اساسی در نظام چگونه پیش خواهد آمد؟

الف − از طریق تغییراتی در درون خود آن

ب − از طریق جنبش‌های اجتماعی

پ − از طریق “اپوزیسیون”

ت − از طریق دخالت خارجی

تقریباً ۲۸ درصد پاسخ‌دهندگان «جنبش‌های اجتماعی» را نیروی اصلی تحول‌خواهی در ایران می‌دانند، ۴,۹ درصد صرفاً به «تغییرات در درون خود نظام» امید بسته اند، درصد مشابهی ــ ۴,۶ درصد ــ تنها راه را «دخالت خارجی» می‌دانند و یک بخش کوچک ۱,۳ درصدی تنها امیدشان «اپوزیسیون» است.

۲۸ درصدی که جنبش‌های اجتماعی را عامل اصلی تحول می‌دانند، پرشمارترین گروه در میان پاسخ‌دهندگان هستند.

۱۸,۵ درصد از مخاطبان، جنبش‌های اجتماعی را در ترکیب با بروز تغییراتی در درون خود نظام در تحول اساسی آن نتیجه‌بخش می‌دانند.

۱۷ درصد دیگر معتقدند که باید نیروی «اپوزیسیون» را نیز به ترکیب دو عامل بالا افزود تا به تحول اساسی در نظام دست یافت.

تنها ۴,۶ درصد مخاطبان معتقدند که این تحول اساسی از خارج مرزها رقم خواهد خورد: با ترکیب نیروی اپوزیسیون با دخالت خارجی.

۲۱ درصد، دومین گروه پرشمار پاسخ‌دهندگان، معتقدند که ترکیبی از همه عوامل بالا باید وجود داشته باشد تا تحول اساسی در نظام جمهوری اسلامی ممکن شود.

تفاوت پاسخ‌های مخاطبان ساکن ایران این‌بار نیز تفاوت چندان معناداری نیست. تنها ۱ درصد اپوزیسیون را عاملی مهم می‌دانند، ۴ درصد حامی دخالت خارجی هستند، ۲۷ درصد جنبش اجتماعی را نیروی اصلی تحول‌خواهی می‌دانند، اما ۴ درصد بیشتر از درصد مربوط به مجموع پاسخ‌دهندگان ــ یعنی ۸ درصد آنها ــ چشم‌انتظار تغییری از درون خود نظام هستند.

مصلحت‌اندیشی

بحث بر سر مفهوم «مصلحت‌جویی»، به ویژه با توجه به فقاهت سیاسی روح‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی که «مصلحت نظام اسلامی» را بر هر چیز دیگری حتی احکام اسلام در ارجحیت قرار می‌دهد،‌ بحث تاریخ‌داری است.

اصلاح‌طلبان حکومتی، به‌ویژه در آستانه هر انتخاباتی پس از ۱۳۸۸، و در توجیه عدم انتقاد از جنگ سوریه و عدم حمایت از اعتراض‌های دی ۹۶،‌ به مصلحت‌ کشور در «شرایط حساس» اشاره می‌کردند.

گروه‌های دیگری از ملی‌گرایان تا چپ‌گرایان نیز تا کنون مصلحت کشور را دلیل برخی (عدم) موضع‌گیری‌ها اعلام کرده اند.

از سوی دیگر،‌ منتقدان گروه‌های متفاوت آنها را به در نظر گرفتن منافع گروهی خود متهم می‌کنند. منتقدان دیگری هم هستند که جامعه را به طور کلی از نقد مشابهی مبرا نمی‌دانند و معتقدند که نظام امتیازورزی حکومتی که بر اساس نزدیکی ــ یا تظاهر به نزدیکی ــ هر چه بیشتر به کانون‌های قدرت کار می‌کند،‌ منفعت‌طلبی به نفع رژیم را به مصلحت‌طلبی فردی گره زده است. عده‌ای نیز به سیاست‌زدگی و فردمحوری اشاره می‌کنند.

زمانه در انتهای نظرسنجی از مخاطبان پرسید که به نظر آنها «مصلحت‌طلبی» یعنی چه. بیش از ۳۹ درصد مخاطبان (و ۳۴ درصد مخاطبان ساکن ایران) مصلحت‌طلبی را «در نظر گرفتن مصلحت خود» دانسته‌اند و به عبارت دیگر، به بعد فردی مصلحت‌طلبی اشاره کرده اند.

نزدیک به ۲۴ درصد (در برابر ۲۹ درصد از مخاطبان ساکن ایران) مصلحت‌طلبی را «در نظر گرفتن مصحلت رژیم» می‌دانند و ۲۲ ـ ۲۳ درصد دیگر در هر دو دسته آماری، " ترس از اینکه مصالح کشور در خطر افتد"

اولی مصلحت‌طلبی را همکاری قطعی با رژیم می‌داند و دومی، هراس بی‌مورد از به خطر افتادن منافع ملی در شرایطی که ادامه نظام حاکم، به گفته صادرکنندگان بیانیه‌ها، منافع ملی را به خطر انداخته است.

برخی از مخاطبان نیز فهم‌شان از مصلحت‌طلبی را نوشته‌اند که این گزارش در نقشه زیر از برخی از نظرات مخاطبان داخل ایران اقتباس شده است.

در بیانیه نخست آماده که برای پیشبرد خواسته‌ تغییر اساسی نظام سیاسی باید «مصلحت‌طلبی» را کنار گذاشت. به نظر شما مصلحت‌طلبی یعنی چه؟ (برای بزرگ‌تر شدن تصویر روی آن کلیک کنید)



به درصد نظرات در گذار به وضعیت مطلوب نباید بصورت ایستا نگاه کرد، چرا که این نسبت ها از ابتدای انقلاب روند تغییرات بسیاری داشته ، که با برآورد آن در دهه های گذشته جمهوری اسلامی، و نظر سنجی کنونی می توان به تقریبی برای تغییرات آتی رسید.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
|  | پشتیبانی و تقویت نظام حاکم | اصلاح نظام حاکم | تحول مبتنی بر فشار اجتماعی | براندازی یک باره | بدون نظر |
| دهه اول | 70% | 20% | 5% | 5% | 0 |
| دهه دوم | 30% | 40% | 15% | 15% | 0 |
| دهه سوم | 20% | 20% | 25% | 35% | 0 |
| دهه چهارم | 3.3% | 8.2% | 38.7% | 48.2% | 1.6% |
| دهه پنجم | 1% | 2% | 42% | 55% | 0 |

جمع بندی و نتیجه گیری:

انقلاب 57 ایران با مشارکت اکثریت قریب به اتفاق مردم با رهبری خمینی به پیروزی رسید، دلیل پیوستن بخش خیلی بزرگی از ایرانیان به صف انقلابیون، برای هر گروه اجتماعی از منظر خاصی بود. بخصوص سخنان رهبر انقلاب در دورانی که در پاریس اقامت داشت، به گونه ای بود که از چپ تا راست، از فقیر تا غنی، و از بیسواد تا تحصیلکرده، منافع و مصالح خود را در تغییر حکومت می دانستند.

با پیروزی انقلاب و مواجه با اداره کشور، رهبر و حلقه نزدیک به او را به وحشت انداخت، استباط حکومت جدید از مطالباتی که توسط گروه های مختلف از طریق راه پیمائی ها و مقالات روزنامه ها مطرح می شد، در راستای سرنگونی حاکمیت تازه برسر کار آمده است. اطرافیان رهبر، نمادهای بسیاری برای رسیدن به تئوری توطئه داشتند، دفاع تمام قد حزب کمونیست ایران از حکومت جدید، تشکیل شورا های کارگری در کارخانجات، آنها را به یاد دولت کرنسکی در روسیه 1917 می انداخت.

لذا رهبر دو استراتژی را در پیش گرفت، تسریع در تصویب و تاسیس ساختار حکومت جدید با رای مردم، و گشتن در پی بهانه ای تا بتواند مخالفان را قلع و قمع کند، بهانه لازم را گروه چریکی اسلامی که در تمام مراحل انقلاب در کنار رهبران آن بود با ترور افراد عادی طرفدار حکومت به دست رهبر داد. در این مرحله جمهوری اسلامی به دستگیری و اعدام تعداد زیادی از مخالفان خود دست زد و آخرین آنهم در حیات رهبر، کشتار تابستان 67 بود.

با مرگ بنیانگذار جمهوری اسلامی، حکومت وارد فاز جدیدی از کشور داری شد. کاهش زندان و کشتار و تقیسم غنیمت. در این مرحله نبرد میان گروه های مختلف حکومت برای کسب منافع بیشتر، با مانع تراشی هرگروه برای گروه مقابل ادامه یافت، نزاعی که تا به امروز همراه جمهوری اسلامی است. تبعات کشورداری بطریق ملوک الطوایفی که به سیستم دینی شیعه برمی گردد. مجموعه ای از مراجع، که هریک مقلدین خاص خود را دارند، اساس تصمیمات مقلدین در زندگی شخصی ،اجتماعی، و کسب و کار، فتاوی مرجع آنهاست. بجز رویاروئی گروه ها، به سوء استفاده افراد از پراکندگی مراکز قدرت شده، و در نتیجه کشور نه تنها به سمت توسعه بیشتر ملت- دولت نرفته، که بخشی از سیستم سازی 50 سال ابتدای قرن جهاردهم هجری لوث شده است.

سران کشورهای غربی معتقدند، قدرت اصلی ، متمرکز در رهبر جمهوری اسلامی است، به همین دلیل کوشش می کنند توافق های خود با دولت ایران را به طریقی به تائید رهبری برسانند. اما واقعیت موجود چیز دیگری است، مثلا در همان هنگام که رئیس جمهور در اروپاست، ترور و بمب گذاری در اروپا طراحی می شود. رهبر جمهوری اسلامی علیرغم اینکه علاقمند است به همه نشان دهد که هر کاری که در داخل و خارج کشور انجام می شود با اجازه اوست، اما در عمل بسیاری از اقدامات و اعمال که توسط کارگزاران رژیم به اجرا در می آید، بدون اطلاع رهبر است.

رویکرد مردم به عملکرد دولت های مختلف، ابتدا با حمایت از آنها و کمک به اصلاح از درون بود، با ناامید شدن بخشی از مردم برای اصلاح از داخل نظام، به تقسیم بندی حکومت به جناح های خوب و بد رسید، در این ارتباط کوشش مردم تقویت جناح خوب برای تضعیف گروه بد از طریق انتخابات بود. عدم نتیجه گیری از استراتژی قرار دادن یک گروه در برابر گروه دیگر، راه حل فشار از پائین بمنظور حذف آن بخش از حکومت که بنظر می رسید، عامل اصلی اوضاع بد کشور هست، از راه اصلاح قانون اساسی با برگزاری رفراندم روی آوردند، مخالفت جناح اصولگرا با خواست رفراندم، جمع بیشتری از مردم را به سوی براندازی سوق داد.

اگر جمهوری اسلامی بسرعت نتواند مشکلات خود در داخل و خارج کشور را حل کند، که با توضیحات ارائه شده، بعید به نظر می رسد، روند آتی، کاهش امید مردم به تغییرات از طریق رفراندم و افزایش، اعتقاد به براندازی یک باره جمهوری اسلامی است. عاملی که سرعت رشد طرفداران براندازی را کند کرده، مصلحت اندیشی و نگرانی از تبعات آن است. مردم نمی توانند به همسایگان، عربستان، اسرائیل، و آمریکا برای براندازی اعتماد کنند. بخصوص تجربه افغانستان و عراق ، چراغ راهی است که فاقد روشنائی و آلوده به ابهام است.

اپوزیسیون خارج کشور با عملکرد چهل ساله،حاوی نوسان در تمامی جهات، نزاع دائمی میان گروه های مختلف، و وابستگی بخشی از آنها به کشورهای خارجی، بدبینی عمیقی ایجاد کرده که امکان اعتماد به آنها را از مردم سلب کرده است.

اعلامیه چهار ده نفره که در چند نوبت توسط افراد جدیدی بازنشر شد و عده بیشتری با اعلام اینکه نفر پانزدهم هستند، در سطح وسیعی در داخل و خارج کشور مورد استقبال قرار گرفته، مسیر صلح جویانه ای به سوی حل مشکل حکومت ایران بدون پرداخت هزینه های انسانی و مالی بسیار است. اگر جمهوری اسلامی نخواهد به نظر مردم از طریق رفراندم گردن بگذارد، عواقب خطرناکی برای روحانیت، مذهب، و ماندگاری یک پارچه ایران متصور خواهد بود.

\*منبع اطلاعات نظرسنجی سایت رادیو زمانه است.